

بنیادگرایی

پیکار در راه خدا در یهودیت، مسیحیت و اسلام

مجموعه مطالعات ادیان | ۹ |



این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Battle for God: A History of Fundamentalism,
Karen Armstrong,
The Random House Publishing Group, 2001.

آرمسترانگ، کارن، ۱۹۴۴ - م.

Armstrong, Karen

بنیادگرایی: پیکار در راه خدا در یهودیت، مسیحیت، اسلام

نویسنده: کارن آرمسترانگ؛ مترجم: کیانوش حشمتی

تهران: حکمت، ۱۳۹۶، ۷۴۰ ص

شابک: 978-964-244-100-6

عنوان اصلی: The Battle for God, 2001

موضوع: بنیادگرایی مذهبی

موضوع: یهودیت اصولی -- اسرائیل -- تاریخ

موضوع: بنیادگرایی اسلامی -- تاریخ

موضوع: یهودیت -- تاریخ

موضوع: اسلام -- تاریخ -- از آغاز

موضوع: مسیحیت -- تاریخ -- ۱۵۰۰ م.

حشمتی، کیانوش، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ب۹ ۲۳۸/۴ BL

رده‌بندی دیویی: ۲۰۰/۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۶۳۴۲۲۱

مجله تخصصی آثار

مجله تخصصی آثار



تهران، خیابان انقلاب، تندای حسن ایاور خان، شماره ۹۴، کدپستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۵۰۹ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۸ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۷ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۶ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۵ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۴ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۳ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۲ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۱ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۰

سامانه پیم سوناه: ۰۲۱۶۶۹۵۰۹

www.hekmat-ins.com

info@hekmat-ins.com

بنیادگرایی

پیکار در راه خدا در یهودیت، مسیحیت و اسلام

نویسنده: کارن آرمسترانگ

مترجم: کیانوش حشمتی

ویراسته بخش ویرایش حکمت

نمونه خوانی: حسین کیانی، نرگس محمدامینی، آزاده حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۶ ش/۱۴۳۸ ق

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۰۰-۶

حروفچینی و صفحه آرای: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشرکیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۹	یادداشت
۱۷	پیش‌گفتار
۲۵	مقدمه

بخش نخست: دنیای قدیم و جدید

۴۱	۱. یهودیان - پیشگامان (۱۷۰۰-۱۴۹۲)
۹۳	۲. مسلمانان - روحیه محافظه‌کاری (۱۷۹۹-۱۴۹۲)
۱۴۱	۳. مسیحیت: دنیایی نو و شگفت‌انگیز (۱۴۹۲-۱۷۰۰)
۲۰۹	۴. یهودیان و مسلمانان مدرن می‌شوند (۱۸۷۰-۱۷۰۰)

بخش دوم: بنیاد نراری

۲۷۷	۵. خطوط نبرد (۱۸۷۰-۱۹۰۰)
۳۳۷	۶. اصول بنیادی (۱۹۰۰-۱۹۲۵)
۳۹۵	۷. ضدفرهنگ (۱۹۲۵-۱۹۶۰)
۴۵۷	۸. آماده‌سازی و بسیج (۱۹۶۴-۱۹۶۰)
۵۳۵	۹. تهاجم (۱۹۷۹-۱۹۷۴)
۶۰۳	۱۰. شکست؟ (۹۹-۱۹۷۹)

۶۸۷	پس‌گفتار
۶۹۷	گفت‌وگویی با کارن آرمسترانگ
۷۰۳	کتاب‌نامه
۷	نمایه

یادداشت ناشر

کتاب حاضر نوشته داورن آرمسترانگ، مؤلف و محقق معاصر آمریکایی، است که آثار معددی در حوزه مطالعات ادیان نگاشته و برخی از آنها به فارسی هم ترجمه شده است.

این کتاب را در ته‌آبی و یار کلی می‌توان مرکب از دو حیث دانست: الف) حیث توصیفی، که در آن مؤلف محترم با تتبع گسترده و قابل تحسین به بررسی اوضاع و احوال فرهنگ ایرانی و پیدایش پدیده بنیادگرایی در سه دین بزرگ و حیانی در جهان می‌پردازد و با ارائه گزارش‌های تاریخی مستند و دقیق از چگونگی گسترش بنیادگرایی در این فرهنگ ناخبر می‌دهد.

ب) حیث تحلیلی، که از این جهت مؤلف با تازایی چند مقدمه کلی بستر دستگاهی قیاسی را برای تحلیل منطقی پدیده بنیادگرایی فراهم می‌آورد. از منظر انتقادی، بخش توصیفی کتاب - صرف نظر از اشکالات جزئی یا موردی در مباحث مربوط به تاریخ معاصر ایران، یا درباره باره‌ای برداشت‌های اسلامی و شیعی، که در کنار معلومات دقیق، وسیع و اغلب صائب مؤلف نسبت به تاریخ و فرهنگی که به کلی با آن بیگانه است به سهولت قابل چشم‌پوشی است - حکایت از دقت نظر، تتبع و روحیه انصاف و همدلی مؤلف دارد. اما درباره حیث تحلیلی به چند نکته کلی اشاره می‌شود.

نخست درباره خاستگاه دین: مؤلف سعی دارد با تمایزگذاری رایج میان دو عنصر شاخص فرهنگ یونان قدیم، یعنی اسطوره‌گرایی (میتوس) و عقل‌گرایی (لوگوس)، جایگاه دین را در عنصر میتوس شناسایی کند و با ترکیبی از مفاهیم جامعه‌شناسانه کُنستی و روان‌کاوی فرویدی و ادبیات رازورزانه سنت‌گرایان جدید غربی، به تبیین جایگاه اسطوره و دین به‌عنوان بُعد غیرمنطقی و خیال‌پردازانه ذهن بشر، ولی از نظر روانی لازم برای ایجاد آرامش روحی و معنا بخشیدن به زندگی آدمی اشاره می‌کند و از همین رمکناز به سر بحران روحی و معنوی ناشی از فرهنگ مدرن می‌پردازد. و به گونه‌ای بحران مدرن، نمای نیچه در مدرنیته غربی را تفسیر می‌کند.

در این باره باید گفت: در نظر همه معتقدان به ادیان الهی و نیز عموم فلاسفه الهی، دین حقیقتی اصیل در زندگی انسان‌ها و در واقعیت جهان است که از افقی برتر از افق چهار ماده‌نشأت گرفته است و اگرچه در هر دینی پاسخی به مشکلات عمومی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامعی که در آن ظهور کرده به چشم می‌خورد ولی اینها نیز معنای فروکاستن حقیقت دین در حد مصلحت‌جویی برای امور و مشکلات مادی جوامع نیست.

نکته بعدی تمایز میان «میتوس» و «لوگوس» است. در ذیل این تمایز اگرچه نکات قابل قبول و مثبتی در کلمات مؤلف محترم به چشم می‌خورد، ولی وجه غالب بحث مبتنی بر اشتباهاتی است که صرفاً امر از صحت و سقم آنها، ناشی از نادیده گرفتن دیدگاه طرف مقابل بحث یعنی روان‌ادیان الهی است.

معادل قراردادادن اسطوره با تعالیم دینی و مذهبی، دست‌کم به دور کلی، درست نیست. این موضوع حداکثر در مورد یونان اولیه، که فاقد دین و حیانی بود، صادق است یعنی در آنجا به دلیل نبودن انبیای الهی در دوره‌های خاص، و نیاز فطری و طبیعی بشر به دین، کار دین به دست شاعران و افسانه‌سرایان افتاد و آنها با ساختن اسطوره‌ها که آمیزه‌ای از پیام

راستین الهی، به قول ارسطو، و افزوده‌های شاعرانه و خیال‌ورزانه تحریف‌کنندگان پیام الهی بودند، اساطیر را به صورت یک فرهنگ دینی، مردم آن عصر عرضه کردند.

نکته دیگر یکسان انگاشتن لوگوس (logos) یونانی با عقلانیت مدرن غربی (reason)، از سوی مؤلف است. مؤلف در سرتاسر کتاب بر این یکسانیت تأکید و براساس آن استدلال و نتیجه‌گیری می‌کند.

در «لوگوس» در عهد یونان باستان و ارتباط آن با «میتوس» و نیز عقل جدید غربی بحث‌های زیادی وجود دارد. آنچه مسلم است اینکه واژه لوگوس که به معنای اندیشه، کلام، عقل و... به کار می‌رود در گذشته معنایی فراتر از قوه انیشتی (عقل) داشته است. اندیشه و عقل شخصی آدمی به عنوان مظهر و نماد از حقیقت عقلانی حاکم بر جهان تلقی می‌شده است. اما در دوره مدرن این نگرشی کیهانی از لوگوس جای خود را به نوعی عقل محاسبه‌گر جزوی داده است. همین تلقی از عقل باعث تنزل مراتب وجود آدمی به ساحت منفعت‌جویی و تبدیل جهان و کیهان به منابع تصرف و بهره‌جویی او شده که هر دو باعث ایجاد بحران در معنا و جهت زندگی آدمی و نابودی جهان پیرامون او شده است.

مسئله دیگر در تحلیل مؤلف، چگونگی پیوند بین بنیادگرایی است. طبق تحلیل ایشان، بشر در دوران یونان کلاسیک، دارای ارزش‌های ته‌ازن و تعادل میان لوگوس و میتوس بود. در جریان رشد و تکامل تاریخی، رشد جریان لوگوس عرصه را بر جنبه اسطوره‌ای تنگ و تنگ‌تر می‌کند. روح این رشد خردورزی مدرنیته است که معیارهای خود را برسان معیارهای عمومی و نهایی (پارادایم مدرنیته) بر همه فرهنگ‌ها و ملل تحمیل می‌کند و به این ترتیب طرفداران دین که بنیاد اسطوره‌ای فرهنگ بشر را بر باد رفته می‌بینند، در هر سه دین بزرگ جهان به جبهه‌گیری ایدئولوژیک ضد مدرنیته می‌پردازند و جبهه کم‌وبیش واحد بنیادگرایی ظهور می‌کند.

مؤلف در اینجا هیچ گونه دلیل جدی برای یکسان انگاشتن جریان دینی در فرهنگ بشری با اسطوره و میتوس ارائه نمی دهد، تنها عنصر مشترک این دو را می توان جنبه رازورزانه و سمبلیک موجود در اسطوره، دانست که به گونه ای به حقایق غایی و مبادی عالی وجود اشاره می کند، ولی به فرض که با مسامحه بتوان رازورزی اسطوره ای را با عنصر قداست و جنبه های سمبلیک ادیان یکسان دانست، ترادف دین و اسطوره، به نحو کلی چندان موجابست و از منظر حکمای دینی عنصر دینی هیچ گاه فاقد لوگوس در بنای حقیقی این کلمه نبوده است.

هم چنین هر چه رسد درباره بنیادگرایی باید بین دو جریان تفاوت گذاشت. جریان هایی که در پی احیای جامع اندیشه دینی اند یا براساس آموزه های دینی و حیانی از وطن و ملت و ایمان خویش دفاع می کنند و دوم جریان های خشونت گرای تروریستی که نام دین در پی گسترش وحشت و خشونت اند.

درباره جریان های تروریستی نسبت آنها با اسلام باید گفت بین این گروه های خشونت طلب منتسب به اسلام، اندیشه سیاسی مکتب اسلام اعم از شیعه و سنی، اشتراکی جدی وجود ندارد. ضمن آنکه باید به تفاوت اساسی اندیشه سیاسی سنی و شیعی نیز در جای خود توجه کرد. در مورد اندیشه سیاسی و نظام اجتماعی مکتب تشیع با فاشیست می توان گفت کوچک ترین وجه شباهت و ارتباطی بین آرای این مکتب با حرکت های خشونت بار غیر منطقی چه رسد به تروریستی وجود ندارد.

اگر اسلام از طرفی، به حکم آنکه دینی الهی است، غایت نهایی خود را در رسانیدن انسان ها به اوج قله کمال و بارور کردن تمامی استعداد های نهفته در اعماق وجود او و فراهم ساختن آن چنان شایستگی ای در انسان می داند که او را مهبای ملاقات و مواجهه مستقیم با مبدأ لایتناهی هستی کند که در قرآن کریم از آن با عنوان لقاء الله یاد می شود، از طرف دیگر به حکم جامعیت این دین که ناشی از اشراف خالق هستی و سازنده همه کائنات به

تمامی ابعاد و زوایای وجود آدمی است، تحقق این هدف نهایی را میسر نمی‌داند، مگر در ظرف حیات اجتماعی و برقراری یک نظام کامل تربیتی که از درونی‌ترین کانون‌های خانوادگی تا بیرونی‌ترین عرصه‌های زندگی اجتماعی و عمومی را دربر می‌گیرد. این امر صرفاً ممکن می‌شود و با برقراری یک نظام کامل از عدالت اجتماعی و اقتصادی این نیز میسر نیست، مگر با در اختیار داشتن و کنترل همه نقاط کلیدی و حساس نظام زندگی اجتماعی؛ و این یعنی برقراری یک نظام فراگیر حکومتی و در اختیار داشتن ابزار قدرت. به این ترتیب اسلام در ذات و نهاد خود با آنچه فعلاً به عنوان مسیحیت شناخته می‌شود اختلاف اصولی دارد و به همین ترتیب اسلام به طور نهادی با یک از اساسی‌ترین ویژگی‌های فرهنگ چند سده اخیر غربی که مدرنیته نامیده می‌شود یعنی ویژگی سکولاریزاسیون و جدا کردن نهاد دین از عرصه عمومی و اجتماعی، تمایز و تمایز آن به محدوده سلبی فردی و شخصی و اعتقادات خصوصی، متمایز است. البته از بُعد حکومتی، اندیشه اسلامی با هیچ‌یک از اقوام و ملل غیر مسلمانان از اسلام از مسیحی، یهودی، بودایی، هندو و... در تعارض نخواهد بود و تشکیل کشورهای با نظام اسلامی وظیفه و مسئولیتی داخلی برای تک‌تک جوامع مسلمانان است این امر به هیچ وجه به معنای حمله و تهدید به دیگر کشورهای غیر مسلمانان و رای تشکیل حکومت اسلامی نیست.

پس، از طرفی میل به پیوند زدن اندیشه دینی با سیاست را نمی‌توان بنیادگرایی خواند و از طرف دیگر بین این اندیشه و خشونت و ترور لازم‌ای برقرار نیست، بلکه مؤمن واقعی همواره مطابق قوانین اسلامی باید بر مبنای عدل و رعایت اخلاق و تقوی عمل کند. بر این اساس ریشه جریان‌های بنیادگرایی خشونت طلب را باید از طرفی در عقل سکولار یک‌جانبه‌نگر مدرن که برخلاف حقیقت لوگوس نگاه جامع عقلانی به عالم را به محاق برده است و از طرف دیگر — بنا بر اسناد و مدارک — در

دست‌اندازی‌ها و دست‌کاری‌های دولت‌های سلطه‌گر غربی در منابع دیگر کشورهای جهان دانست که با رفتار غیرانسانی خود، رفتارهای خشونت‌طلبانه را میان ساکنان ستم‌دیده این جوامع گسترش داده یا حتی خود به شیوه مصنوعی گروه‌های خشونت‌طلبی - همچون القاعده و طالبان - را به نام اسلام پرورش و گسترش دادند تا در شکل دشمنی ظاهری منافع‌شان را در این بخش از جهان همچنان حفظ کنند.

پنان که گفته شد، گذشته از این ابهامات و نواقص تحلیلی، کتاب خانم ارم رانگ حاوی اطلاعات بسیار مفیدی درباره ظهور بنیادگرایی و انواع گوناگون آن است و ویژه به درستی نشان می‌دهد که بنیادگرایی خشونت‌طلب به هیچ وجه صرفاً در کشورهای اسلامی پرورش نیافته است.

نواقص کتاب در بخش‌های مربوط به ایران و به خصوص درباره موضوعات مربوط به انقلاب اسلام و حیانت پس از آن به صورت کوتاه در پانوشته‌ها توضیح داده شده و تفصیل آن را باید در نوشتاری تفصیلی‌تر جست.

گفتنی است که این یادداشت - بی‌وقت خلاصه‌ای از نقد مکتوب مبسوطی^۱ است در نقد و ارزیابی نگاه‌های بنیادگرایی با محوریت مطالب این کتاب که توسط آقای دکتر حسین غفاری، استاد گروه فلسفه دانشگاه تهران، و به درخواست ناشر به نگارش درآمده و به صورت مستقل منتشر شده است. علاقه‌مندان به این مباحث را به مطالعه آن کتاب نیز دعوت می‌کنیم.

۱. حسین غفاری، نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی، انتشارات حکمت، ۱۳۹۵.

یادداشت مترجم

این کتاب پس از حادثه یازدهم سپتامبر به رشته تحریر درآمد و اینجانب نیز یک سال پس از انتشار، ترجمه آن را به عهده گرفتم. حوادث طی شده در این پانزده سال، به خصوص در جهان اسلام، خود شاهدی بر مدعای نویسنده برای تقابل اصول گرایان مدرنیته است. وقایعی چون بهار عربی در کشورهای شمال آفریقا، پیرویهای اسلام گرایان در ترکیه، ظهور فرقه‌های تندرو در کشورهای اسلامی هم چون بوکس حرام در نیجریه و نهایتاً ادعای خلافت داعش در خاور میانه.

نویسنده با بیانی بسیار زیبا و با تحلیل دقیق و عمیق از تاریخ ۵۰۰ ساله اخیر اصول گرایی در سه دین یهود، مسیحیت و اسلام و تقابل آن با مدرنیته، نتیجه‌گیری نموده که ریشه این تضادها را می‌توانی در تقابل عقل گرایی، (Logos) و اسطوره گرایی (Mithos) جست و جو نمود که هر کدام در صورتی که حقوق متقابل یکدیگر را محترم شمرده و قصد اثبات حقانیت خود را با توسل به زور نداشته باشند، در هر سه دین جایگاه فلسفی و اصولی خود را دارا می‌باشند.

ضمن تشکر از زحمات چندین سالی مدیران انتشارات حکمت در اخذ مجوز و انتشار کتاب و به خصوص استاد ارجمند جناب آقای دکتر غفاری که نهایتاً زحمت نقد مطالب این کتاب را در یک مجموعه جداگانه به عهده گرفته و اخذ مجوز را آسان نمودند، از سرکار خانم صابری که با حوصله و

دقت مرا در تایپ و تصحیح متون اولیه ترجمه یاری نموده و دوستان
ارجمندم جناب آقایان دکتر مازیار و کیانی که کار ویراستاری را با موشکافی
دقیق به اتمام رسانیدند، در کمال احترام تشکر می‌نمایم.
تقدیم به همسر سیمما و فرزندانم علی و عسل که با صبوری مشوق من
در ترجمه این کتاب بودند.

www.ketab.ir

بیش گفتار

یازدهم سپتامبر به عنوان روزی که دنیا را تغییر داد در تاریخ ماندگار خواهد شد. در این روز زوریست‌های مسلمان با منهدم کردن مرکز تجارت جهانی و یک ضلع از ساختمان متاگون (مرکز فرماندهی ارتش آمریکا) بیش از پنج هزار نفر را به آوارسانان گویی این عملی بود که دقیقاً برای تلویزیون طراحی شده بود. برج‌های در حال سوختن مرکز تجارت جهانی و فروپاشی هیجان‌انگیز آنها احتمالاً به سال‌های قرن بیست و یکم باقی خواهند ماند. برای اولین بار مردم ایالات متحده از سوی یک دشمن خارجی و بر روی خاک خود مورد حمله قرار گرفتند. آن‌ها نه از سوی یک کشور، و نه با بمب اتمی، بلکه به وسیله یک گروه متعصب ما هم که اسلحه آنها چاقوی جیبی و تیغ برش کارتن بود. اگرچه این حمله‌ای به ایالات متحده محسوب می‌شد، ولی هشداری بود به همگی ما در کشورهای جهان این ما برهنگی جدیدی را احساس کردیم، خام بودن در ضربه‌پذیری، و حال که در حال نوشتن این سطور هستم، باگذشت یک ماه پس از این عمل وحشتناک، هنوز هم مشخص نیست که چه تأثیری بر رفتارهای ما در این جهان تغییر یافته خواهد گذاشت. اما در حال حاضر یک نکته مشخص شده است: دیگر محال است همه چیز مثل سابق باقی بماند. وقایع و نگرانی‌هایی که قبل از یازدهم سپتامبر ذهن ما را به خود مشغول می‌داشت دیگر بی‌مورد و بی‌ربط

هستند. ما در حال روبه‌رو شدن با دوره‌ای از تغییرات وحشت‌زا و ناراحت‌کننده هستیم.

البته سازوکار بنیادگرایی تغییر نیافته است. هیچ‌کس نمی‌توانست جزئیات این حمله را پیش‌بینی کند، زیرا حرکت آنان خارج از تصور بود. ولی این صرفاً جدیدترین و وحشتناک‌ترین حمله‌ای بود که به‌وسیله بنیادگرایان در راه «جنگ برای خدا» صورت گرفت. همان‌گونه که سعی می‌کنیم در این صفحات نشان دهیم، تقریباً مدت یک قرن، مسیحیان، یهودیان، و مسلمانان شکل جدیدی از تعصب دینی را در لباس عملیات نظامی و جریحی به‌جا آورده‌اند که هدف آن بیرون آوردن خدا و دین از حاشیه - مری که تدریجاً محدود شدن آنان از سوی فرهنگ‌های مدرن ولی بی‌دین بوده - و آوردن مجدد آنان به صحنه زندگی است. این «بنیادگرایان» همان‌گونه که از ناساناسیون می‌آمد، متقاعد شده‌اند که برای نجات اعتقادات خود در دنیایی که ذاتاً نسبت به دین پرخاشگر شده می‌جنگند. آنها نبرد با مدرنیته غیردینی را هدایت می‌کنند، و در این تلاش، به نتایج قابل توجهی نیز دست یافته‌اند. در اواسط قرن بیستم، غلب متفکران و مفسران چنین تصور می‌کردند که دنیوی‌شدن (سکولاریزم) بدون‌ارزی آینده است و دین دیگر هیچ‌گاه به‌عنوان نیروی مؤثر در اتفاقات بین‌المللی مطرح نخواهد بود. ولی بنیادگرایان، این جهت‌گیری را معکوس کردند و در ایالات متحده و کشورهای مسلمان، دین به تدریج به نیروی تبدیل شد که هر دو نیروی مجبور شده به آن توجه جدی داشته باشد.

واقعۀ آخرالزمانی یازدهم سپتامبر پی‌آمد منطقی تاریخ بنیادگرایی است که در این کتاب شرح داده شده است. بنیادگرایی آن‌گونه که اغلب مردم تصور می‌کنند، به معنای واپس‌گرایی عامدانه نیست، عقب‌گرد به گذشته نیز نیست. بنیادگرایی‌ها اساساً حرکت‌های جدیدی هستند که ریشه در هیچ زمانی به‌جز دوران خود ما ندارند. حمله یازدهم سپتامبر مخرب‌ترین حمله‌ای بود که علیه

دنیای مدرن توسط بنیادگرایان برنامه‌ریزی شده بود، و تروریست‌ها هدفی بهتر از این را نمی‌توانستند انتخاب کنند. تا به حال بنیادگرایان از وسایل ارتباط جمعی این چنین با مهارت برای اهداف خود استفاده نکرده بودند که در واقعه یازده سپتامبر: میلیون‌ها نفر با آگاه شدن از تصادم اولین هواپیما با برج، در پای تلویزیون‌های خود آماده بودند تا صحنه فرورفتن هواپیمای دوم را در برج جنوبی مرکز تجارت جهانی تماشا کنند. بنیادگرایان از فناوری مدرن هوا رزده استفاده کردند تا شاهکارهای ساختمانی را که به برج بابل مدرن که برای بی‌رنگ کردن جلوه طبیعت ساخته شده بودند - شباهت داشتند به زیر آورند. به نظر بنیادگرایان، چنین ساختمان‌هایی می‌توانست نمادی از مقابله انسان با اقتدار خداوند باشد. مرکز تجارت جهانی و پنتاگون، نهادهای قدرت اقتصادی و نظامی آمریکا، در حمله این مذهبی‌های عصبانی همچون خانه‌های کاغذین به زیر فرو رفت. انفجاری مرگبار بود. نه تنها جان هزاران نفر نابود شد، بلکه انکاء و اعتماد نفس مغرورانه آمریکا نیز همراه با برج‌ها به زیر کشیده شد. دیگر هیچ‌گاه مانند روز دهم سپتامبر احساس امنیت نخواهند کرد. چندین دهه هواپیماها تجربه‌ای از آزادی فوق‌بشری به انسان‌ها هدیه کردند و آنها را به پرواز بر فراز ابرها قادر کردند. و مانند خدایان قدیم به اطراف دنیا جابه‌جا کردند. ولی اکنون بسیاری از مردم از پرواز وحشت دارند. آنها خرد و تکه‌تکه شده‌اند، بال‌های عرفی‌گرایی آنها پاره شده و مهار شده، و اعتماد به نفس آنها به شدت لطمه خورده است.

مظنون اصلی، اسامه بن لادن، متفکر اصلی نیست. ایدئولوژی و تئوریا تمام و کمال بر تفکرات سید قطب استوار است، یعنی همان بنیادگرایی مصری که تفکراتش در فصل هشتم این کتاب مورد بحث قرار گرفته است. با استفاده از رهنمودهای سید قطب، بن لادن چنین ادعا کرد که دنیا به دو جبهه تقسیم شده: یکی برای خدا و دیگری علیه او. البته دنیا مدت مدیدی است که به دو جبهه مخالف تقسیم شده، اگرچه نه به صورتی که بن لادن شرح داده است.